

بررسی وضعیت فقر در مناطق شهری استان کرمان و مقایسه آن با کل کشور

پونه افتخاریان* و مصطفی سلیمی فر**

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۰/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۴/۳۱

چکیده

نخستین گام در مسیر برنامه‌ریزی مبارزه با فقر و کاهش نابرابری در راستای سیاست‌گذاری در زمینه توسعه، شناخت صحیح و آگاهی از وضعیت فقر است. با توجه به این موضوع، این مقاله به تعیین خط فقر و بررسی وضعیت فقر نسبی در مناطق شهری استان کرمان طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۸۵ و مقایسه آن با کل کشور بر مبنای ۵۰ درصد و ۶۶ درصد میانگین و میانه متوسط مخارج دهک‌های مختلف خانوارها و سپس، محاسبه شاخص‌های فقر مانند نسبت سرشماره نسبت شکاف فقر و شاخص سن می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد، خط فقر نسبی در مناطق شهری استان کرمان به استثنای سال ۱۳۸۸ نسبت به سال ۱۳۸۷ و همچنین کل کشور طی سال‌های مورد بررسی روند صعودی داشته است. همچنین در مجموع، خط فقر مناطق شهری کشور بالاتر از خط فقر مناطق شهری استان کرمان طی سال‌های مورد بررسی بوده است، به طوری که متوسط رشد سالیانه خط فقر در مناطق شهری استان کرمان، ۱۹ درصد و در مناطق شهری کشور، ۲۴ درصد بوده است، اما نتایج محاسبه شاخص‌های فقر نشان‌دهنده روند نزولی فقر در مناطق شهری استان کرمان و بهبود وضعیت فقر طی دوره مورد بررسی است.

طبقه‌بندی JEL: D63, 563, E25, I32

کلیدواژه‌ها: استان کرمان، خط فقر نسبی، شاخص‌های فقر، عدالت و نابرابری.

* دانشجوی دکتری اقتصاد واحد بین‌الملل دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسؤول)،

پست الکترونیکی: P.eftekharian@yahoo.com

** استاد اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد.

۱- مقدمه

یکی از مباحث بسیار مهم در متون اقتصاد توسعه، موضوع فقر، اندازه‌گیری و راه‌های مختلف کاهش آن و فقرزدایی است. نخستین گام در مسیر برنامه‌ریزی مبارزه با فقر و کاهش نابرابری، شناخت صحیح و آگاهی از وضعیت فقر است. اندازه‌گیری و شناخت فقر از دو جنبه بررسی چگونگی تغییرات شدت فقر در زمان‌ها و مکان‌های مختلف و به‌خصوص موضوع مهم اخیر، یعنی شناخت افراد فقیر به جهت هدفمندسازی انواع کمک‌ها و یارانه‌ها از اهمیت خاصی برخوردار است. بدین ترتیب با توجه به محدودیت‌های مالی دولت باید به جهت برنامه‌های مبارزه با فقر و فقرزدایی افراد فقیر به‌درستی مورد شناسایی قرار گیرند. آگاهی از چگونگی وضعیت فقر در کشور و همچنین استان‌های مختلف از اولویت‌های مهم به‌منظور سیاست‌گذاری‌های لازم در زمینه توسعه در جهات مختلف است. بنابراین، با توجه به ضرورت و اهمیت مقابله با بحران فقر لازم است خط فقر در جامعه محاسبه و افراد فقیر شناسایی شوند. بررسی و مطالعه میزان فقر در سطح کشور و همچنین به تفکیک مناطق می‌تواند زمینه‌ساز مناسبی برای سیاست‌گذاری به‌منظور تدوین برنامه‌های فقرزدایی منطقه‌ای منطبق با شرایط همان منطقه در زمینه توسعه باشد. مطالعات مختلفی در زمینه فقر در کشور انجام شده است که بیشتر آنها به‌طور کلی به بررسی وضعیت فقر در سطح کشور پرداخته‌اند و کمتر به وضعیت فقر به صورت منطقه‌ای توجه شده است. این در حالی بوده که بررسی و مشخص کردن وضعیت فقر در استان می‌تواند کمک بیشتری به برنامه‌ریزی صحیح و تخصیص اعتبارات لازم برای فقرزدایی کند. با توجه به توضیحات بالا در مقاله حاضر سعی شده است که خط فقر نسبی در سطح خانوارهای استان کرمان و همچنین کل کشور محاسبه شود. در این مطالعه، به‌منظور برآورد خط فقر نسبی از روش تعیین میانه یا میانگین متوسط مخارج دهک‌های مختلف هزینه‌های خانوارها و تعیین درصدی از آن به‌عنوان خط فقر استفاده شده است. همچنین علاوه بر تخمین خط فقر، شاخص‌های فقر مانند شاخص نسبت سرشمار (درصد افراد فقیر)، شاخص نسبت شکاف فقر و همچنین شاخص سن نیز محاسبه شده است. دو شاخص

بررسی وضعیت فقر در مناطق شهری استان کرمان و مقایسه آن با کل کشور ۲۱۵

اول هر یک مشخص کننده جنبه‌ای از ابعاد فقر هستند و به تنهایی اطلاعی کافی را از میزان فقر ارائه نخواهند داد، اما شاخص سن، یک شاخص ترکیبی بوده که در واقع، ترکیبی از دو شاخص نسبت سرشمار و شکاف فقر است، اما نسبت به توزیع درآمد نیز حساس است. آمارهای مورد استفاده در این تحقیق، آمارهای خام مربوط به طرح آمارگیری بودجه خانوار مرکز آمار ایران مربوط به استان کرمان و همچنین کل کشور و دوره زمانی این مطالعه سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۱ است.

۲- مفاهیم و چهارچوب نظری تحقیق

- مفهوم فقر و خط فقر:

فقر به صورت‌های مختلفی تعریف می‌شود. گرچه تعاریف متفاوتی توسط پژوهشگران در خصوص فقر ارائه شده است، اما به‌طور کلی می‌توان دو مفهوم فقر مطلق^۱ و نسبی^۲ را تعریف کرد.

تانسند^۳ در تعریف خود از فقر به این موضوع اشاره کرده است که افراد، خانوارها و گروه‌های جمعیتی را زمانی می‌توان فقیر به شمار آورد که با فقدان منابع برای کسب انواع رژیم‌های غذایی، مشارکت در فعالیت‌ها و شرایط و امکانات معمول زندگی مواجه باشند (تانسند، ۱۹۸۵). سن^۴ به‌عنوان مهم‌ترین مدافع فقر مطلق شناخته شده است. وی معتقد است، فقر فقدان مجموعه ثابتی از قابلیت‌های زندگی برای فرد است. وی در مطالعه خود که در سال ۱۹۸۱ انجام گرفت، اعتقاد داشت که تمام تعاریف‌های فقر از وجه مشترکی برخوردارند و به نوعی به محرومیت اشاره دارند که البته محرومیت نیز خود یک مفهوم نسبی است که معنای آن در زمان‌ها و مکان‌های مختلف، متفاوت است (سن، ۱۹۸۱).

1- Absolute Poverty

2- Relative Poverty

3- Townsend

4- Sen

اتکینسون^۱ دو مفهوم برای فقر در نظر دارد. در یک مفهوم، فقر به عنوان عدم دسترسی به امکانات معیشتی معین است که براساس آن هر گاه کل هزینه‌های میزان مصرف کالاهای خاص توسط یک فرد از حد معینی کمتر باشد، وی فقیر تلقی می‌شود. در مفهوم دیگر حق برخورداری از منابع و امکانات اجتماعی - اقتصادی است که اگر درآمد فرد از میزان معینی پایین تر باشد، به آنها دسترسی نخواهد یافت (اتکینسون، ۱۹۸۹).

بنابراین، منظور از فقر مطلق آن حداقل نیازهایی بوده که برای حفظ زندگی لازم است. در مقابل، فقر نسبی ناتوانی در کسب یک سطح معینی از استانداردهای مطلوب زندگی است. در تعریف فقر نسبی به نابرابری در توزیع درآمد و ثروت بیش از میزان مطلق درآمد افراد جامعه توجه می‌شود. به عبارت دیگر، منشأ اولیه فقر نسبی در جامعه، توزیع نابرابر درآمدهای آن جامعه بین افراد مختلف است (خالدی و پرمه، ۱۳۸۴).

تفاوت در مفهوم فقر به طور عمده با توان اقتصادی و نظام اجتماعی و سیاسی هر جامعه مرتبط است. بدین ترتیب حداقل استاندارد زندگی یا دستیابی به سطحی از استانداردهای مطلوب زندگی در جوامع مختلف، فرق می‌کند؛ برای مثال، ممکن است فقر در یک کشور در حال توسعه به معنای محرومیت از امکاناتی باشد که حداقل برای تداوم حیات بشر لازم است، در حالی که در یک کشور توسعه یافته به معنای عدم برخورداری از امکاناتی فراتر از حداقل تأمین نیازهای اساسی و محرومیت از شرایط و امکانات یک زندگی معقول باشد. بدین ترتیب تعاریف مختلفی برای فقر ارائه شده است.

بنابراین، به طور خلاصه می‌توان دو تعریف متفاوت را از فقر ارائه کرد:

۱- **فقر مطلق:** در دیدگاه فقر مطلق نیازهای اولیه نقش اساسی را ایفا می‌کنند. فرد یا خانواری در این رویکرد فقیر محسوب می‌شود که از درآمد کافی برای برآورده ساختن نیازهای اولیه اش برخوردار نباشد. بنابراین، در شناسایی فقر مطلق نخستین گام، تعیین نیازهای اولیه است (عرب مازار، ۱۳۸۳). بنابراین، فقر مطلق وضعیتی است که در آن فرد

بررسی وضعیت فقر در مناطق شهری استان کرمان و مقایسه آن با کل کشور ۲۱۷

توانایی لازم را در دسترسی به حداقل نیازهای اساسی مانند غذا، مسکن، پوشاک و بهداشت ندارد، به طوری که در نبود این حداقل امکانات، حیات فرد به مخاطره می‌افتد.

۲- **فقر نسبی:** فقر نسبی به عنوان ناتوانی در کسب یک سطح معینی از استانداردهای لازم یا مطلوب زندگی در جامعه تعریف می‌شود که بیشتر معیاری از توزیع نابرابر درآمدهاست. در واقع، این نوع فقر در شرایطی است که فرد نسبت به متوسط شرایط درآمدی جامعه وضعیت مناسبی ندارد. فقر نسبی مفهومی قراردادی است و در جوامع مختلف، تعریف‌های متفاوتی دارد (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۷۹).

برای اندازه‌گیری فقر و تفکیک فرد فقیر از غیرفقیر به یک معیار یا ملاکی نیاز است که آن را خط فقر^۱ می‌نامند. خط فقر به معنای میزان منابعی است که خانوار برای رسیدن به یک سطح معین رفاه نیاز دارد. این سطح رفاه به آستانه فقر (خط فقر) معروف است و افرادی که رفاهشان کمتر از آن باشد، فقیر تلقی می‌شوند (خداداد کاشی، ۱۳۷۷). براساس تعریف مارتین راولیون^۲ خط فقر عبارت است از: مخارجی که یک فرد در یک زمان و مکان مشخص برای دسترسی به یک سطح حداقل رفاه متحمل می‌شود. افرادی که به این سطح رفاه دسترسی ندارند، فقیر تلقی می‌شوند و کسانی که به این سطح رفاه دسترسی دارند، غیرفقیر محسوب می‌شوند (راولیون، ۱۹۹۸). براساس تعریف تارو^۳ خط فقر برپایه یک تعریف مشخص از سطح رفاه پایه‌ریزی شده است و در واقع، برای محاسبه خط فقر باید در ابتدا مفهوم رفاه را مشخص کرد (تارو، ۱۹۶۹). در واقع، بسته به اینکه فقر مطلق یا نسبی در نظر گرفته شود، خط فقر نیز دارای دو مفهوم مطلق و نسبی است. خط فقر مطلق به معنای مقدار ثابتی از درآمد حقیقی است که یک حداقل کافی از استانداردهای زندگی را برای یک خانوار تأمین می‌کند (کازرونی، ۱۳۷۵) به عبارت دیگر، خط فقر مطلق مقدار درآمدی است که برای تأمین حداقل نیازهای ضروری زندگی افراد مانند غذا، پوشاک و مسکن لازم است (ابوالفتحی قمی، ۱۳۷۱). خط فقر نسبی به مفهوم مقدار درآمد

1- Poverty Line

2- Ravallion

3- Thurow

لازم برای کسب سطح معینی از استانداردهای مطلوب زندگی و نسبت به متوسط شرایط درآمدی جامعه مطابق با شرایط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است. اگر خط فقر براساس مفهوم مطلق آن تعریف شود، در این صورت، بهترین سیاست برای حذف فقر، رشد و توسعه اقتصادی است و اگر فقر براساس مفهوم نسبی آن در نظر گرفته شود در این صورت با کاهش نابرابری درآمد می توان فقر را کاهش داد (خداداد کاشی، ۱۳۷۷).

- روش های اندازه گیری خط فقر

بسته به تعریف خط فقر (مطلق و نسبی) روش های مختلفی برای تعیین آن وجود دارد. عمده ترین روش در زمینه تعیین خط فقر مطلق، تعیین نیازهای غذایی (روش نسبت غذا)^۱ برحسب کالری مورد نیاز برای فرد در روز است. در این روش، حداقل درآمد لازم برای دریافت حداقل انرژی مورد نیاز فرد در روز محاسبه و به عنوان خط فقر تعیین می شود. این روش برای نخستین بار در ایران توسط پژوهشگران برای تعیین خط فقر به کار برده شد (پژویان، ۱۳۷۳). در مطالعه پژوهشگران و پس از آن، در سایر مطالعات دیگر توسط محققان مختلف، حداقل ۲۱۷۹ و ۲۳۰۰ کالری برای محاسبه خط فقر مطلق در نظر گرفته شده است، اما در این روش، حتی اگر در مورد حداقل انرژی مورد نیاز توافق وجود داشته باشد، باز هم مشکل انتخاب رژیمی که کالری مورد نیاز را تأمین می کند، مطرح است (خداداد کاشی و حیدری، ۱۳۸۸). در برخی کشورها با در نظر گرفتن تفاوت موجود در فرهنگ غذایی و قیمت مواد خوراکی لازم برای تأمین انرژی در مناطق مختلف برای هر منطقه سبد غذایی جداگانه ای تعریف و براساس آن خط فقرهای گوناگونی نیز محاسبه می شود (خالدی و پرمه، ۱۳۸۴).

روش مهم دیگر در تعیین خط فقر مطلق، روش نیازهای اساسی است.^۲ در این روش یک سبد مصرفی محتوای نیازهای اساسی مصرفی فرد در نظر گرفته و پس از تعیین محتوای این سبد، هزینه ریالی تأمین آن به عنوان خط فقر لحاظ می شود (خداداد کاشی و

1- Food- Ratio Method

2- Basic-Needs Approach

بررسی وضعیت فقر در مناطق شهری استان کرمان و مقایسه آن با کل کشور ۲۱۹

حیدری، ۱۳۸۸). در عمل برای کاربرد این روش ابتدا یک میزان درآمد لازم برای تأمین هزینه‌های غذایی مصرفی در نظر گرفته می‌شود و سپس، مقدار درآمد ثابت برای تأمین هزینه حداقل سایر نیازهای اساسی به آن اضافه می‌شود در واقع، در ابتدا در این روش خط فقر مطلق غذایی محاسبه و سپس، با استفاده از آن خط فقر مطلق کل محاسبه می‌شود. یکی از روش‌های تخمین نیازهای اساسی، روش ارشانسکی^۱ است (ارشانسکی، ۱۹۶۳). در این روش، میزان درآمد مورد نیاز برای تأمین هزینه‌های غذایی لازم برای زنده ماندن فرد با استفاده از میانگین هندسی نسبت هزینه غذا به هزینه کل فرد در جامعه مورد بررسی به حداقل درآمد مورد نیاز برای تأمین هزینه نیازهای اساسی تبدیل می‌شود. برای محاسبه نسبت هزینه غذا به کل مخارج می‌توان از ضریب انگل استفاده کرد. بدین ترتیب که با رگرس کردن هزینه کل بر هزینه مواد غذایی، بخشی از درآمد که صرف مواد غذایی می‌شود، به دست می‌آید، سپس، با ضرب کردن هزینه مواد غذایی در معکوس ضریب انگل می‌توان خط فقر را مشخص کرد (خداداد کاشی و حیدری، ۱۳۸۸).

خط فقر نسبی به صورت درصد معینی از درآمد جامعه و به شکل یک مرز درآمدی که درصد معینی از افراد جامعه پایین‌تر از آن قرار می‌گیرند، تعریف می‌شود (ابوالفتحی قمی، ۱۳۷۱). خط فقر نسبی و شاخص‌های فقر نسبی، میزان نابرابری توزیع درآمد را در جامعه نشان می‌دهند و تغییرات نابرابری توزیع درآمد و جامعه بر آنها اثر می‌گذارد. در این روش، با استفاده از میانگین (میانه)، هزینه سرانه کل خانوارها و تعیین درصدی از آن به تعیین خط فقر پرداخته می‌شود. برای تعیین درصد مورد نظر دیدگاه نظری مستدلی وجود ندارد، اما در بیشتر مطالعات انجام شده از ۵۰ درصد و ۶۶ درصد میانه یا میانگین مخارج به عنوان دو معیار تعیین خط فقر استفاده شده است (خداداد کاشی و همکاران، ۱۳۸۴). در این روش، ابتدا خانوارها برحسب هزینه سرانه به دهک هزینه‌ای (درآمدی) تقسیم می‌شوند، سپس، میانگین (میانه) هزینه سرانه کل خانوارها تعیین و در مرحله بعد، ۵۰ یا ۶۶ درصد میانگین (میانه) هزینه به عنوان خط فقر در نظر گرفته می‌شود (بانک مرکزی، ۱۳۸۴).

۳- مروری بر مطالعات انجام شده

در ایران با استفاده از آمارهای در دسترس و روش‌های گوناگون، خطوط مختلفی برای فقر چه به‌طور کلی در سطح کشور و چه در برخی از استان‌ها برآورد شده است که در اینجا به تعدادی از مطالعات انجام شده در این زمینه اشاره می‌شود.

پژویان (۱۳۷۵)، در پژوهشی به بررسی فقر، خط فقر و کاهش فقر پرداخته است. محقق ابتدا به تعریف خط فقر پرداخته و سپس، خط فقر برای شهر، روستا و چند استان در سال ۱۳۷۳ به‌دست آمده است. وی ضمن مقایسه خطوط فقر به‌دست آمده، دلایل تفاوت بین آن را بیان کرده است. در ادامه با توجه به اطلاعات به‌دست آمده از شکاف فقر و مدل پیشنهادی کاکوانی به محاسبه مقدار کمک مورد نیاز به فقرا پرداخته می‌شود. نتایج نشان می‌دهد، کمک باید به صورتی باشد که تمام خانوارهای زیر خط فقر را به سطح خط فقر یا بالاتر از آن هدایت کند.

خداداد کاشی (۱۳۷۷)، در مطالعه خود به اندازه‌گیری فقر در ایران برحسب خصوصیات اجتماعی و اقتصادی خانوارها با اشاره‌ای به کاربرد شاخص سن در ایران طی دوره ۱۳۶۴-۱۳۷۰ پرداخته است. محقق برای تعیین خط فقر از رویکرد نیازهای اساسی و خط فقر محاسبه شده توسط پژویان استفاده کرده است. یافته‌های پژوهش دلالت بر آن دارد که در فاصله سال‌های ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۸، فقر در ایران افزایش یافته، اما پس از آن، رو به کاهش گذاشته است. محقق ویژگی مقاله را از دو جهت می‌داند؛ اول، محاسبه شاخص فقر سن برای نخستین بار در ایران و دوم، محاسبه فقر برحسب خصوصیات اجتماعی و اقتصادی خانوارها.

اسلامی (۱۳۷۹)، در مقاله خود به بررسی فقر، خط فقر و اثر حذف یارانه کالاهای اساسی پرداخته است. براساس این تحقیق، خط فقر مطلق برای یک خانوار در سال ۱۳۷۷ در مناطق شهری و روستایی به ترتیب ۹/۴ و ۵/۹ میلیون ریال بوده است و با توجه به حجم نمونه و جامعه آماری کشور در همین سال افراد زیر خط فقر در مناطق شهری و روستایی به ترتیب ۲۴/۵ و ۲۷/۹ درصد برآورد شده‌اند.

بررسی وضعیت فقر در مناطق شهری استان کرمان و مقایسه آن با کل کشور ۲۲۱

حکمتی (۱۳۷۹)، در پایان‌نامه خود به برآورد خط فقر در مناطق شهری استان تهران و مقایسه آن با کل کشور از روش سیستم مخارج خطی (LES) پرداخته است. در این مطالعه، برای تخمین خط فقر از آمار مخارج سال‌های ۱۳۷۸-۱۳۶۹ در هشت گروه کالایی استفاده شده است. برآوردها نشان می‌دهد، خط فقر مناطق شهری کل کشور در سال ۱۳۷۸ برای هر خانوار با بعد ۴/۷۶ نفر، سالانه برابر ۱۶/۹۹۷/۹۳۲ ریال بوده و بیان‌کننده این مطلب است که ۵۳/۳۱ درصد خانوارها در این سال‌ها زیر خط فقر بوده‌اند. این رقم در استان تهران برای هر خانوار با بعد ۴/۲۸ نفر، سالانه برابر ۲۴/۴۰۷/۷۷۹ ریال برآورد شده است.

عرب مازار و حسینی‌نژاد (۱۳۸۳) با استفاده از شاخص‌های گروه FGT به برآورد شدت فقر در خانوارهای روستایی با توجه به شغل سرپرست خانوار و منطقه جغرافیایی محل سکونت در سال ۱۳۷۹ پرداخته‌اند. در این تحقیق، برای محاسبه شاخص‌های FGT که نشان‌دهنده میزان و شدت فقر است، خط فقر برآورد نشده، بلکه از خطوط فقر محاسبه شده در مطالعات قبلی استفاده شده است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد، گذشته از خانوارهای دارای سرپرست بیکار و از کارافتاده که در نامطلوب‌ترین وضعیت رفاهی به سر می‌برند. شدت فقر در خانوارهایی که سرپرست آنها به کشاورزی اشتغال دارد، بیش از سایر خانوارهای روستایی است. همچنین ساکنان مناطق شرق کشور نسبت به سایر مناطق از وضعیت نامطلوب‌تری برخوردارند.

خداداد کاشی و همکاران (۱۳۸۴)، در پژوهشی به برآورد خط فقر در ایران طی سال‌های ۱۳۶۳-۱۳۷۹ برپایه چهار روش نیاز به کالری، درصدی از میانه مخارج خانوارها، درصدی از میانگین مخارج خانوارها و معکوس ضریب انگل پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش بیان‌کننده آن است که خط فقر یک واقعیت خارجی ثابت نیست و با توجه به طرز تلقی و تعریف محقق از فقر و معیارهای مورد استفاده برای ارزیابی آن، می‌توان مقادیر متفاوتی برای خط فقر به دست آورد. یافته‌های این پژوهش دلالت بر آن دارد که طی دوره مطالعه، همواره خط فقر شهری بزرگ‌تر از خط فقر روستایی بوده و خط فقر مبتنی بر

مفهوم مطلق کوچک‌تر از خط فقر مبتنی بر مفهوم نسبی فقر است. بیشترین اندازه فقر در جوامع شهری و روستایی مربوط به روش معکوس ضریب انگل است.

خدادادکاشی و باقری (۱۳۸۴)، در تحقیقی به نحوه توزیع فقر بین خانوارهای ایرانی برحسب خصوصیات مختلف اقتصادی و اجتماعی برای سال‌های ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۹ پرداخته‌اند. در این مطالعه، خط فقر براساس روش حداقل نیاز کالری محاسبه شده است. نتایج نشان می‌دهد، سهم فقر روستاییان از کل فقر کشور بیش از شهرنشینان بوده است. بیشترین سهم فقر متعلق به گروه سنی بالای ۵۵ سال و کمترین متعلق به گروه سنی زیر ۲۵ سال بوده است. سهم فقر خانوارهای با سرپرست بی‌سواد یا دارای سواد ابتدایی بیشترین و سهم خانوارهایی که سرپرست آنها دارای مدرک کارشناسی و بالاتر بوده، کمترین است. همچنین خانوارهایی که سرپرست آنها دارای مشاغل کشاورزی و کار ساده خدماتی‌اند، فقیرتر از سایر مشاغل هستند.

خالدی و پرمه (۱۳۸۴)، در مقاله‌ای به بررسی وضعیت فقر در مناطق شهری و روستایی ایران طی سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۷۵ پرداخته‌اند. محققان در مطالعه خود هم از خط فقر مطلق بر مبنای روش نیازهای اساسی (تغذیه مناسب) و محاسبه خط فقر مطلق کل در قالب سه روش مختلف و هم از خط فقر نسبی براساس ۵۰ درصد میانگین هزینه خانوار برای تبیین وضعیت فقر در مناطق شهری و روستایی کشور استفاده کرده‌اند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که میزان خطوط فقر مختلف (مطلق و نسبی) محاسبه شده در دوره بررسی روند صعودی درخور توجهی داشته است. میزان خط فقر مطلق خانوار (غذایی و کل) در مناطق شهری بیشتر از مناطق روستایی کشور بوده، اما درصد خانوارهای فقیر روستایی همواره بیشتر از درصد خانوارهای فقیر شهری بوده است. سطح خط فقر نسبی در مناطق روستایی در دوره مورد بررسی همواره پایین‌تر از مقدار آن در مناطق شهری بوده است.

پیرایی و شهسوار (۱۳۸۸)، خط فقر نسبی شهری و روستایی استان فارس را براساس روش ۵۰ و ۶۶ درصد میانه مخارج خانوارها و میزان فقر را براساس شاخص‌های مختلف، برای سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۷۴ برآورد کردند. نتایج محاسبات نشان می‌دهد که خط فقر در

بررسی وضعیت فقر در مناطق شهری استان کرمان و مقایسه آن با کل کشور ۲۲۳

مناطق شهری استان فارس بزرگ‌تر از خط فقر در مناطق روستایی بوده و روند شاخص‌های فقر در مناطق شهری و روستایی نشان‌دهنده سیر نزولی فقر در این مناطق طی دوره مورد بررسی است.

خداداد کاشی و حیدری (۱۳۸۸)، به برآورد میزان خط فقر و شاخص‌های فقر در مناطق شهری و روستایی کشور براساس روش حداقل نیاز کالری برای سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۶ پرداخته‌اند. خط فقر طی سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۶ روند صعودی داشته و نکته دیگر، اینکه خط فقر شهری براساس هر دو معیار «نیاز به حداقل کالری» (۲۱۷۹ و ۲۳۰۰ کالری) بیشتر از مناطق روستایی است. محققان همچنین به منظور مقایسه به تعیین خط فقر از روش‌های مختلف برای سال ۱۳۸۶ پرداخته‌اند. کمترین خط فقر مربوط به رویکرد FEI بر نیاز ۲۱۷۹ کالری و بزرگ‌ترین خط فقر مربوط به رویکرد ضریب انگل است. یادآوری می‌شود، رویکرد اول با مفهوم فقر مطلق و رویکرد دوم با مفهوم فقر نسبی سازگار است. در مجموع، یافته‌های مطالعه بر این دلالت دارد که مجموعه تحولات اقتصادی و اقدام‌های حمایتی به کاهش فقر مطلق و افزایش فقر نسبی در ایران منجر شده است.

مکیان و سعادت‌خواه (۱۳۹۰)، در مطالعه خود با استفاده از سیستم مخارج خطی با استفاده از مؤلفه‌های هشت گروه اصلی کالایی به همراه شاخص قیمت آنها که توسط مرکز آمار ایران منتشر شده است، به برآورد حداقل معاش در مناطق شهری استان یزد پرداخته‌اند. در این مطالعه، برای تخمین حداقل معاش از روش تابع تقاضای سیستم مخارج خطی استفاده شده است. براساس برآورد این مطالعه حداقل معاش در مناطق شهری یزد برای سال ۱۳۷۹ - سال اول برنامه سوم توسعه - برابر ۱۰/۰۶۱/۴۴۲ ریال بوده که در سال ۱۳۸۸، سال پایانی برنامه چهارم توسعه به رقم ۳۳/۵۸۵/۸۱۹ ریال رسیده است.

سعادت و قاسمی (۱۳۹۱)، به بررسی میزان خط فقر در مناطق شهری و روستایی استان کرمانشاه و همچنین مقایسه آن با کل کشور با استفاده از سیستم مخارج خطی در دوره زمانی ۱۳۷۴-۱۳۸۶ پرداخته‌اند. خط فقر طی دوره مورد بررسی افزایش داشته، به طوری که

در مناطق شهری استان در پایان دوره تقریباً شش برابر خط فقر در ابتدای دوره و در مناطق روستایی ۵/۱۶ برابر بوده است.

۴- اندازه خط فقر در مناطق شهری استان کرمان و مقایسه آن با کشور

برای تعیین خط فقر از روش‌های مختلفی استفاده می‌شود. بسته به اینکه کدام مفهوم از فقر مورد نظر است روش‌های محاسبه نیز متفاوت خواهد بود. در واقع، خط فقر مقدار معین و غیرقابل تغییر نیست.

در مقاله حاضر با توجه به آنکه هدف، بررسی وضعیت فقر نسبی و چگونگی توزیع عادلانه درآمد بوده است به‌منظور محاسبه خط فقر برپایه مفهوم نسبی در سطح استان کرمان و مقایسه آن با کل کشور از روش میانه یا میانگین متوسط مخارج دهک‌های مختلف هزینه‌های خانوارها و تعیین درصدی از آن به‌عنوان خط فقر استفاده شده است. برای تعیین درصد مورد نظر، دیدگاه نظری مستدلی وجود ندارد، اما در بیشتر مطالعات از ۵۰ درصد یا ۶۶ درصد میانگین یا میانه مخارج به‌عنوان دو معیار تعیین خط فقر استفاده شده است. داده‌های مورد استفاده در این مطالعه از داده‌های خام طرح آمارگیری بودجه خانوار مرکز آمار ایران فراهم شده و دوره مورد بررسی نیز سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۸۵ بوده است.

- خط فقر براساس تعیین میانگین مخارج

به‌منظور تعیین میانگین هزینه‌های خانوارها در سطح استان کرمان و کشور، ابتدا از داده‌های خام طرح آمارگیری بودجه خانوار استان، مخارج خانوارها (شامل انواع هزینه‌های خوراکی و غیرخوراکی) محاسبه و در دهک هزینه‌ای مرتب شد. سپس، میانگین هزینه‌های سرانه کل خانوارها محاسبه و یک بار ۵۰ درصد این میانگین و بار دیگر ۶۶ درصد آن به‌عنوان خط فقر در نظر گرفته شد.

نتایج حاصل از برآورد خط فقر براساس ۵۰ درصد و ۶۶ درصد میانگین هزینه سرانه برای مناطق شهری استان کرمان طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۱ در جدول شماره ۱، آمده است.

بررسی وضعیت فقر در مناطق شهری استان کرمان و مقایسه آن با کل کشور ۲۵

جدول ۱- خط فقر نسبی سالانه مناطق شهری استان کرمان بر مبنای ۵۰ و ۶۶ درصد میانگین (ریال)

سال	خط فقر سالانه بر مبنای ۵۰ درصد میانگین	خط فقر سالانه بر مبنای ۶۶ درصد میانگین
۱۳۸۵	۲۷,۳۸۶,۶۹۴	۳۶,۱۵۰,۴۳۷
۱۳۸۶	۲۹,۶۳۲,۲۳۵	۳۹,۱۱۴,۵۵۱
۱۳۸۷	۴۱,۰۶۰,۸۴۵	۵۴,۲۰۰,۳۱۵
۱۳۸۸	۳۶,۸۸۴,۴۶۱	۴۸,۶۸۷,۴۸۸
۱۳۸۹	۴۶,۱۲۷,۸۷۳	۶۰,۸۸۸,۷۹۳
۱۳۹۰	۴۸,۰۸۹,۸۵۹	۶۳,۴۷۸,۶۱۴
۱۳۹۱	۵۸,۶۷۰,۶۶۴	۷۷,۴۴۵,۲۷۶

مأخذ: محاسبات تحقیق.

این نتایج نشان می‌دهد که خط فقر از روند صعودی طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۱ به‌استثنای سال ۱۳۸۸ برخوردار بوده است. خط فقر در سال ۱۳۸۸ نسبت به سال ۱۳۸۷ کاهش، اما پس از آن و تا سال ۱۳۹۱ افزایش یافته است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، تغییرات خط فقر از روند منظمی برخوردار نبوده و در برخی سال‌ها بیشتر افزایش یافته و در برخی دیگر از سال‌ها تغییر نسبی کمتری داشته است.

بر اساس خط فقر ۵۰ درصد میانگین مخارج، یک خانوار شهری در استان کرمان در سال ۱۳۸۵ برای تأمین حداقل نیازهای خود حدود ۲۷,۳۸۶,۶۹۴ ریال لازم داشته که در سال ۱۳۹۱ به رقم ۵۸,۶۷۰,۶۶۴ ریال افزایش یافته، یعنی به‌طور متوسط سالانه رشدی معادل ۱۹ درصد داشته است.

همچنین محاسبه خط فقر بر مبنای ۶۶ درصد میانگین مخارج نشان می‌دهد، هر خانوار شهری در استان کرمان در سال ۱۳۸۵ به‌طور سالانه به مبلغ ۳۶,۱۵۰,۴۳۷ ریال نیاز داشته تا بتواند حداقل نیازهای زندگی خود را تأمین کند که این رقم در سال ۱۳۹۱ به رقم ۷۷,۴۴۵,۲۷۶ ریال افزایش یافته است.

به‌طور مشابه و با استفاده از همین روش خط فقر بر پایه ۵۰ و ۶۶ درصد میانگین مخارج برای مناطق شهری کشور نیز محاسبه شده است. نتایج محاسبات نشان می‌دهد که خط فقر

در مناطق شهری کشور در تمام سال‌های مورد بررسی از روند صعودی برخوردار بوده است. براساس این، بر مبنای ۵۰ درصد میانگین مخارج، خط فقر سالانه مناطق شهری کشور در سال ۱۳۸۵، ۳۳,۶۴۳,۰۱۰ ریال بوده که در سال ۱۳۹۱ خط فقر به رقم ۸۲,۱۴۰,۳۱۰ ریال رسیده، یعنی به طور متوسط سالیانه ۲۴ درصد رشد داشته است. این رقم در سال ۱۳۸۵، ۱/۲۲ برابر رقم به دست آمده برای خط فقر سالانه مناطق شهری استان کرمان و در سال ۱۳۹۱، ۱/۴ برابر خط فقر استان کرمان است. متوسط نرخ رشد سالانه خط فقر مناطق شهری استان کرمان از متوسط نرخ رشد مناطق شهری کشور پایین تر بوده است.

خط فقر برآوردی در مناطق شهری کشور بر مبنای ۶۶ درصد میانگین مخارج در سال ۱۳۸۵، رقم ۴۴,۴۰۸,۷۷۴ ریال بوده که در سال ۱۳۹۱ به رقم ۱۰۸,۴۲۵,۲۰۹ ریال افزایش یافته است، یعنی به طور متوسط از رشد سالیانه ۲۴ درصدی طی سال‌های مورد بررسی برخوردار بوده است.

جدول ۲- خط فقر نسبی سالانه مناطق شهری کشور بر مبنای ۵۰ و ۶۶ درصد میانگین (ریال)

سال	خط فقر سالانه بر مبنای ۵۰ درصد میانگین	خط فقر سالانه بر مبنای ۶۶ درصد میانگین
۱۳۸۵	۳۳,۶۴۳,۰۱۰	۴۴,۴۰۸,۷۷۴
۱۳۸۶	۴۰,۶۴۴,۵۶۹	۵۳,۶۵۰,۸۳۲
۱۳۸۷	۴۷,۱۰۷,۰۵۳	۶۲,۱۸۱,۳۱۰
۱۳۸۸	۴۹,۵۹۵,۶۶۵	۶۵,۴۶۶,۲۷۸
۱۳۸۹	۵۶,۸۳۸,۷۵۲	۷۵,۰۲۷,۱۵۳
۱۳۹۰	۶۶,۳۵۸,۰۴۸	۸۷,۵۹۲,۶۲۳
۱۳۹۱	۸۲,۱۴۰,۳۱۰	۱۰۸,۴۲۵,۲۰۹

مأخذ: محاسبات تحقیق.

بررسی خط فقر سالانه استان کرمان و مقایسه آن با کشور نشان می‌دهد که در سال‌های مورد بررسی خط فقر نسبی در مناطق شهری استان کرمان به طور متوسط سالیانه ۱۹ درصد و در همان سال‌ها در مناطق شهری کشور به طور متوسط سالیانه ۲۴ درصد رشد داشته است، یعنی متوسط نرخ رشد سالانه خط فقر مناطق شهری استان کرمان از متوسط نرخ رشد مناطق شهری کشور پایین تر بوده است.

بررسی وضعیت فقر در مناطق شهری استان کرمان و مقایسه آن با کل کشور ۲۲۷

- خط فقر براساس تعیین میانه مخارج

برای تعیین میانه مخارج خانوارها در سطح استان کرمان و کشور، پس از مرتب کردن ده دهک هزینه‌ای براساس داده‌های خام طرح آمارگیری بودجه خانوارها، میانگین مخارج دهک‌های پنجم و ششم محاسبه شد و این میانگین به عنوان میانه مخارج خانوارها مد نظر قرار گرفت و مشابه روش قبل، ۵۰ درصد و ۶۶ درصد آن به عنوان خط فقر در نظر گرفته شد. نتایج حاصل در جدول شماره ۳، آمده است. این نتایج نشان می‌دهد، در سال ۱۳۸۵ خط فقر برآوردی سالانه مناطق شهری استان کرمان، رقم ۲۲,۳۶۹,۰۲۳ ریال بوده که در سال ۱۳۹۱ به رقم ۵۲,۰۱۰,۹۴۹ ریال افزایش یافته، یعنی سالانه رشدی معادل ۲۲ درصد داشته است. نتایج برآورد خط فقر براساس ۶۶ درصد میانه مخارج نیز نشان می‌دهد که در سال ۱۳۸۵ خط فقر رقم ۲۹,۵۲۷,۱۱۰ ریال بوده که با رشدی معادل ۲۲ درصد به رقم ۶۸,۶۵۴,۴۵۳ ریال در سال ۱۳۹۱ رسیده است.

جدول ۳- خط فقر نسبی سالانه مناطق شهری استان کرمان بر مبنای ۵۰ و ۶۶ درصد میانه (ریال)

سال	خط فقر سالانه بر مبنای ۵۰ درصد میانه	خط فقر سالانه بر مبنای ۶۶ درصد میانه
۱۳۸۵	۲۲,۳۶۹,۰۲۳	۲۹,۵۲۷,۱۱۰
۱۳۸۶	۲۲,۸۲۷,۲۱۹	۳۰,۱۳۱,۹۲۹
۱۳۸۷	۳۳,۷۵۲,۶۶۷	۴۴,۵۵۳,۵۱۹
۱۳۸۸	۲۹,۰۷۳,۱۲۰	۳۸,۳۷۶,۵۱۸
۱۳۸۹	۳۸,۱۳۵,۴۲۴	۵۰,۳۳۸,۷۶۰
۱۳۹۰	۴۲,۳۹۸,۶۴۲	۵۵,۹۶۶,۲۰۷
۱۳۹۱	۵۲,۰۱۰,۹۴۹	۶۸,۶۵۴,۴۵۳

مأخذ: محاسبات تحقیق.

به طور مشابه خط فقر بر پایه ۵۰ و ۶۶ درصد میانه مخارج برای مناطق شهری کشور نیز

محاسبه شده است.

جدول ۴- خط فقر نسبی سالانه مناطق شهری کشور بر مبنای ۵۰ و ۶۶ درصد میانه (ریال)

سال	خط فقر سالانه بر مبنای ۵۰ درصد میانه	خط فقر سالانه بر مبنای ۶۶ درصد میانه
۱۳۸۵	۲۳,۶۶۸,۳۰۶	۳۱,۲۴۲,۱۶۴
۱۳۸۶	۲۸,۷۳۹,۰۹۳	۳۷,۹۳۵,۶۰۳
۱۳۸۷	۳۷,۵۷۶,۷۹۷	۴۹,۶۰۱,۳۷۳
۱۳۸۸	۳۹,۶۴۴,۴۶۰	۵۲,۳۳۰,۶۸۸
۱۳۸۹	۴۵,۱۵۰,۹۲۹	۵۹,۵۹۹,۲۲۶
۱۳۹۰	۵۴,۸۶۱,۳۰۲	۷۲,۴۱۶,۹۱۹
۱۳۹۱	۶۷,۶۱۹,۹۵۲	۸۹,۲۵۸,۳۳۷

مأخذ: محاسبات تحقیق.

همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود، خط فقر در سال ۱۳۸۵، بر مبنای ۵۰ درصد میانه، رقم ۲۳,۶۶۸,۳۰۶ ریال بوده که در سال ۱۳۹۱ به رقم ۶۷,۶۱۹,۹۵۲ ریال رسیده است. میزان خط فقر طی سال‌های مورد بررسی ۳۱ درصد رشد داشته است. حداقل نیازهای زندگی خانوارهای مناطق شهری کشور بر مبنای ۶۶ درصد میانه مخارج در سال ۱۳۸۵ رقم ۳۱,۲۴۲,۱۶۴ ریال و در سال ۱۳۹۱، ۸۹,۲۵۸,۳۳۷ ریال بوده، یعنی از رشدی معادل ۳۱ درصد به‌طور متوسط طی سال‌های مورد بررسی برخوردار شده است. خط فقر در مناطق شهری کشور طی سال‌های مورد بررسی از روند صعودی برخوردار بوده است. همچنین متوسط رشد سالانه آن بالاتر از متوسط رشد سالانه در مناطق شهری استان کرمان بوده است.

- محاسبه شاخص‌های فقر در مناطق شهری استان کرمان

پس از تعیین خط فقر، می‌توانیم انواع شاخص‌های فقر را اندازه بگیریم. در این مطالعه، سه شاخص فقر شامل شاخص نسبت سرشمار، شاخص شکاف فقر و شاخص سن بر اساس محاسبه خط فقر بر مبنای ۵۰٪ میانگین توضیح داده و محاسبه شده است.

بررسی وضعیت فقر در مناطق شهری استان کرمان و مقایسه آن با کل کشور ۲۲۹

الف- شاخص نسبت سرشمار^۱ (درصد افراد فقیر)

این شاخص تصویر ساده‌ای از میزان فقر در جامعه را ارائه می‌دهد. به این ترتیب که عبارت است از: نسبت تعداد خانوارها (افراد) زیر خط فقر به تعداد کل خانوارها

$$H=q/n$$

q: تعداد خانوارها (افراد) پایین تر از خط فقر

n: تعداد کل افراد

اندازه این شاخص بین صفر و یک تغییر می‌کند. زمانی که اندازه شاخص یک باشد، مفهوم آن، این است که تمام افراد جامعه زیر خط فقر زندگی می‌کنند و زمانی که اندازه شاخص صفر باشد، به این معناست که درآمد تمام افراد آن جامعه از خط فقر بالاتر است و زیر خط فقر زندگی نمی‌کنند، اما ایراد این شاخص آن است که تنها درصد افراد فقیر را نشان می‌دهد و مشخص نمی‌کند که افراد چقدر فقیر هستند. برای رفع این مشکل از شاخص دیگری به نام شکاف فقر استفاده می‌شود. نتایج محاسبه شاخص نسبت سرشمار در جدول شماره ۵، آمده است.

جدول ۵- شاخص نسبت سرشمار (درصد افراد فقیر) در مناطق شهری استان کرمان

شاخص افراد فقیر (درصد)	سال
۲۵/۳۳	۱۳۸۵
۲۳/۷۴	۱۳۸۶
۳۴/۱۵	۱۳۸۷
۳۲/۳۰	۱۳۸۸
۲۲/۷	۱۳۸۹
۱۸	۱۳۹۰
۱۸/۴۲	۱۳۹۱

مأخذ: محاسبات تحقیق.

شاخص درصد افراد فقیر با نوساناتی طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۹۱ کاهش یافته و از ۲۵/۳۳٪ به ۱۸/۴۲٪ رسیده است. بیشترین درصد افراد فقیر در سال ۱۳۸۷ بوده که در این

سال ۳۴/۱۵ درصد از خانوارهای شهری استان کرمان زیر خط فقر بوده‌اند و همچنین کمترین درصد افراد فقیر نیز در سال ۱۳۹۰ بوده که ۱۸ درصد خانوارها در این سال زیر خط فقر بوده‌اند.

ب- شاخص نسبت شکاف فقر^۱

این شاخص به صورت درصدی از خط فقر بیان می‌شود و بیان‌کننده آن است که درآمد متوسط افراد فقیر چقدر باید افزایش یابد تا فقر از بین برود و به صورت نسبت متوسط شکاف فقر (تفاوت درآمدهای خانوارهای فقیر از خط فقر) به خط فقر تعریف می‌شود.

$$I = \frac{1}{qz} \sum_{i=1}^q (z - y_i)$$

q: تعداد خانوارها (افراد) زیر خط فقر

z: خط فقر

y_i: درآمد خانواده (فرد) فقیر

در واقع، می‌توان گفت که این شاخص نشان‌دهنده میزان پولی است که برای از بین بردن فقر باید به افراد فقیر انتقال یابد. نتایج محاسبه شاخص نسبت شکاف فقر در جدول شماره ۶، است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بررسی وضعیت فقر در مناطق شهری استان کرمان و مقایسه آن با کل کشور ۲۳۱

جدول ۶- شاخص نسبت شکاف فقر در مناطق شهری استان کرمان

شاخص نسبت شکاف فقر	سال
۳۳/۷۹	۱۳۸۵
۳۲/۵۷	۱۳۸۶
۴۵/۸۴	۱۳۸۷
۳۱/۳۵	۱۳۸۸
۳۲/۷۶	۱۳۸۹
۲۷/۸۶	۱۳۹۰
۲۸/۰۲	۱۳۹۱

مأخذ: محاسبات تحقیق

این شاخص شدت و عمق فقر را نشان می‌دهد. بنابراین، میزان بیشتر آن نشان‌دهنده شدت و عمق بیشتر فقر است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، بیشترین میزان این شاخص در سال ۱۳۸۷ بوده که برابر با ۴۵/۸۴ درصد است، یعنی در سال ۱۳۸۷، حدود ۴۶ درصد درآمد (هزینه) خانوارهای فقیر باید افزایش می‌یافت تا فقر از بین می‌رفت. کمترین میزان آن نیز در سال ۱۳۹۰ و برابر ۲۸ درصد است. شاخص نسبت شکاف فقر طی سال‌های مورد بررسی با نوساناتی مواجه بوده، اما در کل روندی نزولی داشته و از ۳۳/۷۹٪ به ۲۸/۰۲٪ رسیده است.

ج- شاخص فقر سن^۱

دو شاخص نسبت سرشمار و شکاف فقر دارای معایبی هستند که با توجه به دو اصل بدیهی به نام‌های اصل یکنوایی^۲ و اصل انتقال^۳ توضیح داده می‌شود. اصل یکنوایی به این معناست که کاهش درآمد هر یک از خانوارهای زیر خط فقر، موجب افزایش فقر خواهد شد. در واقع، این اصل بیان می‌کند که درآمد خانوارهای فقیر و تغییرات آن روی اندازه فقر تأثیر گذار است. بنابراین، یک شاخص فقر خوب باید با این اصل سازگار باشد. از آنجا که

1- Sen Index

2- Monotonicity Axion

3- Transfer Axion

شاخص نسبت سرشمار (H) تنها تعداد خانوارهای (افراد) زیر خط فقر را نشان می‌دهد، بدیهی است که با تغییر درآمد خانوارهای فقیر تغییر نمی‌کند و ثابت می‌ماند، اما شاخص شکاف فقر با تغییر درآمد فقرا تغییر می‌کند و نسبت به این اصل حساس است.

اصل انتقال به این معناست که هرگونه انتقال درآمد بین دو خانواری که زیر خط فقر قرار دارند، موجب افزایش سطح فقر خواهد شد. در واقع، این اصل بیان‌کننده آن است که هرگونه افزایشی در توزیع نابرابر درآمد بین خانوارهای فقیر به دلیل انتقال درآمد باعث افزایش فقر خواهد شد. شاخص H با اصل انتقال سازگاری ندارد و انتقال درآمد بین خانوارهای فقیر تأثیری در این شاخص ندارد. شاخص شکاف فقر نیز با اصل انتقال تطابق ندارد، انتقال درآمد از یک خانوار فقیر به یک خانواده فقیر دیگر باعث می‌شود افزایش شکاف فقر خانواده اول با کاهش شکاف فقر خانواده دوم برابر باشد. بنابراین، هیچ‌یک از دو شاخص نسبت سرشمار و شکاف فقر با اصل انتقال مطابقت ندارند.

با توجه به ضعف‌های این دو شاخص، آمارتیا سن تلاش کرد تا شاخصی را ارایه دهد که فاقد معایب شاخص‌های قبلی باشد. وی در سال ۱۹۷۶ از شاخصی استفاده کرد که برپایه مفهوم رتبه‌ای رفاه قرار داشت. شاخص فقر سن یک شاخص ترکیبی بوده که در واقع، ترکیبی از دو شاخص نسبت سرشمار و شکاف فقر است، اما نسبت به توزیع درآمد نیز حساس است. اجزای تشکیل‌دهنده این شاخص عبارت‌اند از: ۱- درصد خانوارهای (افراد) فقیر، ۲- شکاف فقر، ۳- توزیع درآمد بین فقرا.

$$S = H [I + (1 - I)G]$$

که در آن، H: درصد افراد فقیر، I: نسبت شکاف درآمدی و G: ضریب جینی توزیع درآمد بین فقراست.

در واقع، سن در رابطه خود برای تعیین شاخص فقر، دو شکاف فقر را در نظر گرفت؛ اول، I که شکاف درآمد نسبت به خط فقر است و دوم، G که شکاف درآمدی ناشی از نابرابری توزیع درآمد است. بنابراین، برای محاسبه شاخص سن، سه عنصر درصد افراد فقیر (شاخص نسبت سرشمار)، شاخص نسبت شکاف فقر و ضریب جینی مورد نیاز است.

بررسی وضعیت فقر در مناطق شهری استان کرمان و مقایسه آن با کل کشور ۲۳۳

ضریب جینی که در واقع، یک شاخص سازگار با منحنی لورنز است، به عنوان معیاری برای بیان شدت نابرابری توزیع درآمد به کار می‌رود. این ضریب مستقل از واحد اندازه‌گیری است و اندازه‌ای بین صفر و یک را اختیار می‌کند، به همین دلیل رتبه‌بندی صحیحی از نابرابری را به دست می‌دهد (افشاری و خورده‌پر، ۱۳۸۸). با توجه به مشاهدات گروه‌بندی شده، ضریب جینی را می‌توان از فرمول زیر محاسبه کرد (جلالی، ۱۳۸۵):

$$G = 1 - \frac{1}{n} \sum_{i=1}^n (y_i + y_{i-1})$$

بدین منظور و به جهت محاسبه ضریب جینی از داده‌های خام طرح آمارگیری بودجه خانوار مرکز آمار ایران مربوط به استان کرمان استفاده شده است. بعد از مرتب کردن خانوارها برحسب هزینه (درآمد)، از کمترین سطح به بیشترین سطح، به ده گروه مساوی تقسیم و سپس، سهم هزینه‌های هر گروه از کل محاسبه می‌شود. پس از محاسبه ضریب جینی برای سال‌های مورد بررسی، تمام عناصر لازم برای محاسبه شاخص سن فراهم شد. نتایج محاسبات در جدول شماره ۷، آمده است.

جدول ۷- شاخص فقر سن در مناطق شهری استان کرمان

شاخص سن	سال
۰/۱۴۶	۱۳۸۵
۰/۱۳۶	۱۳۸۶
۰/۲۰۸	۱۳۸۷
۰/۱۸۶	۱۳۸۸
۰/۱۲۸	۱۳۸۹
۰/۰۹۲۰۶	۱۳۹۰
۰/۰۹۲۳۹	۱۳۹۱

مأخذ: محاسبات تحقیق.

در فاصله سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۱، به استثنای سال ۱۳۸۷ که شاخص فقر در آن سال افزایش یافته، این شاخص تقریباً از یک روند نزولی برخوردار بوده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، این شاخص از رقم ۰/۱۴۶ در سال ۱۳۸۵ به رقم ۰/۰۹۲۳ در سال ۱۳۹۱

رسیده که نشان‌دهنده بهبود وضعیت فقر است. بیشترین مقدار شاخص سن در سال ۱۳۸۷ بوده است.

۵- جمع بندی و نتیجه‌گیری

این مطالعه به منظور روشن شدن چگونگی وضعیت فقر در مناطق شهری استان کرمان و مقایسه آن با کل کشور طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۸۵ (سال‌های برنامه چهارم و پنجم توسعه) انجام پذیرفت. نتایج نشان داد که خط فقر نسبی در مناطق شهری استان کرمان به‌استثنای سال ۱۳۸۸ نسبت به ۱۳۸۷ و همچنین کل کشور از روندی صعودی برخوردار بوده است، اما شاخص‌های فقر حکایت از روند بهبود وضعیت فقر طی سال‌های مورد بررسی در استان کرمان دارد.

خط فقر در مناطق شهری استان کرمان طی سال‌های مورد بررسی به‌طور متوسط سالانه رشدی معادل ۱۹ درصد داشته و براساس روش ۵۰٪ میانگین در سال ۱۳۸۵، رقم ۲۷,۳۸۶,۶۹۴ ریال بوده که در سال ۱۳۹۱ به رقم ۵۸,۶۷۰,۶۴۴ ریال رسیده است. محاسبه خط فقر نسبی برای مناطق شهری کشور نیز نشان‌دهنده متوسط رشد سالانه ۲۴ درصد بوده است. خط فقر در سال ۱۳۸۵ در مناطق شهری کشور، ۱/۲۲ برابر رقم به‌دست آمده برای استان کرمان و در سال ۱/۱۳۹۱,۴ برابر بوده است.

نتایج محاسبات بر مبنای روش میانه و تعیین ۵۰ و ۶۶ درصد آن به‌عنوان تعیین خط فقر نشان می‌دهد که خط فقر طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۱ از متوسط رشد سالانه ۲۲ درصدی برخوردار بوده است. در سال ۱۳۸۵ بر مبنای روش ۵۰ درصد میانه، خط فقر رقم ۲۲,۳۶۹,۰۲۳ ریال بوده که در سال ۱۳۹۱ به رقم ۵۲,۰۱۰,۹۴۹ ریال رسیده است. همچنین محاسبه خط فقر نسبی براساس این روش برای مناطق شهری کشور نیز نشان می‌دهد که طی سال‌های مورد بررسی از متوسط رشد سالانه‌ای معادل ۳۱ درصد برخوردار بوده است. محاسبه شاخص‌های فقر در کل نشان‌دهنده بهبود وضعیت فقر در سطح خانوارهای شهری استان کرمان است. براساس شاخص نسبت سرشمار (درصد افراد فقیر) در سال

بررسی وضعیت فقر در مناطق شهری استان کرمان و مقایسه آن با کل کشور ۲۳۵

۱۳۸۵ حدود ۲۵٪ از خانوارهای شهری این استان زیر خط فقر بوده‌اند که این رقم در سال ۱۳۹۱ به حدود ۱۸٪ رسیده است. بیشترین درصد افراد فقیر نیز در سال ۱۳۸۷ بوده که حدود ۳۴٪ از خانوارها زیر خط فقر بوده‌اند. همچنین محاسبه شاخص نسبت شکاف فقر نیز نشان می‌دهد که این شاخص در کل روندی نزولی داشته و از ۳۳/۷۹٪ به ۲۸/۰۲٪ رسیده است. بیشترین میزان این شاخص در سال ۱۳۸۷ و حدود ۴۶٪ بوده است. شاخص سن نیز که در واقع، ترکیبی از دو شاخص قبلی بوده به‌استثنای سال ۱۳۸۷ تقریباً از یک روند نزولی برخوردار بوده که نشان‌دهنده بهبود وضعیت فقر است. بیشترین مقدار این شاخص مربوط به سال ۱۳۸۷ است.

روند کاهش فقر می‌تواند به این معنا باشد که سیاست‌گذاری‌های و برنامه‌های توسعه‌ای در استان (طی برنامه چهارم توسعه) توانسته است ضمن کاهش درصد فقرا، فاصله آنها را از خط فقر کم کند و همچنین توزیع درآمد بین فقرا را بهبود بخشد، اما در دو سال ابتدایی برنامه پنجم توسعه (سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱) با افزایش در درصد افراد فقیر، میزان و شدت فقر و همچنین بدتر شدن توزیع درآمد بین فقرا مواجه بوده‌ایم که نشان می‌دهد، سیاست‌ها در جهت کاهش فقر و تلاش برای رفع نابرابری‌ها و توزیع عادلانه درآمدها جهت‌گیری نشده و سیاست‌های حمایتی برای کاهش فقر به‌درستی اجرا نشده است. با توجه به مطالب یادشده، به نظر می‌رسد راهکارهای زیر می‌تواند در کاهش روند صعودی افزایش فقر در استان کرمان مفید باشد:

- عادلانه‌تر شدن نظام هدفمندسازی یارانه‌ها و افزایش میزان بهره‌مندی اقشار محروم و آسیب‌پذیر از یارانه‌ها.
- کنترل تورم به‌منظور جلوگیری از افزایش خط فقر.
- ایجاد زیرساخت‌های لازم برای افزایش بهره‌وری از ظرفیت‌های صنعت و معدن استان با توجه به اینکه استان کرمان در بسیاری از معادن رتبه اول کشور را داراست.

- ایجاد زیرساخت‌های لازم در توسعه تولید و فرآوری محصولات کشاورزی مانند پسته و خرما و دیگر محصولات کشاورزی که استان کرمان رتبه اول کشور را در تولید دارد.
- ایجاد بستر مناسب برای سرمایه‌گذاری بیشتر و حضور بخش خصوصی که به ایجاد اشتغال، توسعه استان و کاهش فقر منجر خواهد شد.
- ایجاد فرصت‌های جدید سرمایه‌گذاری در توسعه صنعت گردشگری و بهره‌گیری از میراث فرهنگی و تاریخی استان.

منابع

الف - فارسی

- ابوالفتحی قمی، ابوالفضل (۱۳۷۱)، درآمدی بر شاخص‌های نابرابری درآمد و فقر، مرکز آمار ایران.
- اسلامی، سیف‌الله (۱۳۷۹)، «بررسی یارانه و خط فقر»، فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۱۶.
- افشاری، زهرا و زهرا خورده‌پر (۱۳۸۸)، «مقایسه نابرابری توزیع درآمد در استان فارس و کل کشور برحسب مناطق شهری و روستایی (۱۳۸۳-۱۳۶۰)»، فصلنامه برنامه و بودجه، شماره ۱۰۸.
- بانک مرکزی ایران (۱۳۸۴)، «ابعاد گوناگون فقر در ایران»، مجموعه پژوهش‌های اقتصادی، شماره ۲۷.
- پژویان، جمشید (۱۳۷۳)، «سیاست‌های حمایتی از قشرهای آسیب‌پذیر»، معاونت اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی.
- پژویان، جمشید (۱۳۷۵)، «فقر، خط فقر و کاهش فقر»، مجله برنامه و بودجه، سال اول، شماره ۲.

بررسی وضعیت فقر در مناطق شهری استان کرمان و مقایسه آن با کل کشور ۲۳۷

پیرایی، خسرو و محمدرضا شهسوار (۱۳۸۸)، «بررسی وضعیت فقر در مناطق شهری و روستایی استان فارس»، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۳.

جلالی، محسن (۱۳۸۵)، «تجزیه ضریب جینی و کشش درآمدی آن در ایران»، مجله روند، شماره ۴.

حکمتی، فرید (۱۳۷۹)، «برآورد خط فقر در مناطق شهری استان تهران و مقایسه تطبیقی آن با کل کشور»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشگاه تهران.

خالدی، کوهسار و زورار پرمه (۱۳۸۴)، «بررسی وضعیت فقر در مناطق شهری و روستایی ایران (۱۳۸۲-۱۳۷۵)»، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۴۹.

خداداد کاشی، فرهاد (۱۳۷۷)، «اندازه‌گیری فقر در ایران برحسب خصوصیات اجتماعی و اقتصادی خانوارها: کاربرد شاخص «سن» در ایران»، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۸.

خداداد کاشی، فرهاد و دیگران (۱۳۸۴)، «برآورد خط فقر در ایران طی سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۶۳»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره ۱۷.

خداداد کاشی، فرهاد و خلیل حیدری (۱۳۸۸)، «اندازه‌گیری شاخص‌های فقر براساس عملکرد تغذیه‌ای خانوارهای ایرانی»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، شماره ۳.

خداداد کاشی، فرهاد و فریده باقری (۱۳۸۴)، «نحوه توزیع فقر بین خانوارهای ایرانی (۱۳۷۹-۱۳۷۱)»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۲۲.

سعادت، رحمان و مسلم قاسمی (۱۳۹۱)، «بررسی حداقل معاش مناطق شهری و روستایی استان کرمانشاه و مقایسه با کل کشور (۱۳۸۶-۱۳۷۴)»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، شماره ۲.

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۷۹)، برنامه مبارزه با فقر و افزایش درآمد خانوارهای کم‌درآمد، معاونت امور اجتماعی، تهران.

عرب مازار، عباس و مرتضی حسینی‌نژاد (۱۳۸۳)، «برآورد میزان فقر و شدت آن در گروه‌های مختلف شغلی خانوارهای روستایی ایران»، *فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه*، شماره ۴۵.

کازرونی، علیرضا (۱۳۷۵)، «تحلیلی بر اندازه‌گیری منشأ فقر و سیاست‌های فقرزدایی در ایران»، *مجموعه مقالات گردهمایی بررسی مسأله فقر و فقرزدایی*، سازمان برنامه و بودجه، جلد دوم.

مکیان، نظام‌الدین و آزاده سعادت‌خواه (۱۳۹۰)، «اندازه‌گیری حداقل معاش با استفاده از سیستم مخارج خطی مطالعه موردی: جامعه شهری استان یزد»، *فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، شماره پنجم.

مرکز آمار ایران (۱۳۹۱)، «نتایج خام طرح آمارگیری هزینه و درآمد خانوارهای شهری کشور، سال‌های ۱۳۹۱ - ۱۳۸۵».

مرکز آمار ایران (۱۳۹۱)، «نتایج خام طرح آمارگیری هزینه و درآمد خانوارهای شهری استان کرمان، سال‌های ۱۳۹۱ - ۱۳۸۵».

ب- انگلیسی

- Atkinson, A. (1987), "On the Measurement of Poverty", *Econometrica*, Vol. 55.
- Ravallion, M. (1998), "Poverty Lines in Theory and Practice, Living Standards Measurement Study", World Bank, Working Paper, 133.
- Sen, A. (1981), *Poverty and Famines, An Essay on Entitlement and Deprivation*. Clarendon Press; Oxford, U.K.
- Orshansky, M. (1963), "Children of the Poor", *Social Security Bulletin*, Vol. 26: 3- 29.
- Townsend, P. (1985), "A Sociological Approach to Measurement of Poverty: A Rejoinder to Professor Amartya Sen", *Oxford Economic Papers*, Vol. 37.
- Thurow, L. C. (1969), *Poverty and Discrimination*, The Brooking Institution, Washington. D.C.